

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیستم، شماره هشتادم

زمستان ۱۳۹۸

تحلیل خطبه عیادت حضرت زهرا (علیها السلام) بر پایه نظریه کنش گفتاری

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۱۰

تاریخ تأیید: ۹۸/۱۱/۱۱

^۱ محبوبه خزاعی

^۲ حسین خاکپور

^۳ ولی الله حسومی

خطبه حضرت زهرا (علیها السلام) (۱۱ ق) به هنگام عیادت زنان مهاجر و انصار از ایشان، متنی است که به دلیل اهمیت تاریخی، شایسته تحلیل در چارچوب نظریه کنش گفتاری است. بر اساس این نظریه، گوینده ضمن بیان کلمات، کنش‌هایی را در قالب محتوای گزاره‌ها انجام می‌دهد که آنها را به پنج دسته بیانی، انشایی، تعهدی، اعلامی و عاطفی تقسیم می‌کنند. این مقاله پس از بازخوانی خطبه حضرت زهرا (علیها السلام) در جمع زنان مهاجر و انصار، به این نتیجه می‌رسد که از میان انواع کنش‌های گفتاری به ترتیب کنش اظهاری، کنش عاطفی و کنش ترغیبی، بیشترین سهم را در سخنان آن حضرت به خود اختصاص دهند. با توجه به رابطه معنادار بافت موقعیتی و فضای اجتماعی ایراد سخن و کنش‌های گفتاری گوینده، می‌توان گفت که حضرت زهرا (علیها السلام)، این کنش‌های

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث: (khazae931@gmail.com).

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه سیستان و بلوچستان: (dr.khakupour@theo.usb.ac).

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه سیستان و بلوچستان: (dr.hasoomi@theo.usb.ac.ir).

گفتاری را با توجه به شناختی که از تحولات جامعه نوپای اسلامی داشتند، برگزیدند و به همین سبب با شناخت و تحلیل این کنش‌ها می‌توان راهی به سوی شناخت بیشتر شرایط تاریخی آن روزگار گشود.

کلیدواژگان: حضرت زهرا (علیها السلام)، تحلیل گفتمان، کنش‌های گفتاری، تاریخ صدر اسلام، جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله).

۱. مقدمه

گفتمان‌های اهل بیت (علیهم السلام) میراث گران‌بهای تاریخ اسلام هستند که بر مبنای تحولات سیاسی، اجتماعی و جامعه‌شناختی زمان خود شکل گرفته‌اند. حضرت زهرا (علیها السلام) به عنوان شخصیت مؤثر در تحولات سیاسی و دفاع از ولایت، خطبه‌هایی درباره بازگشت به سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و هشدار نسبت به جریان‌های انحرافی ایراد فرمودند. یکی از خطبه‌های مشهور در جمع زنان مهاجر و انصار که به عیادت حضرت رفته بودند، ایراد شده است. در این مقاله تلاش می‌شود با الهام از چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی بر پایه نظریه کنش گفتاری جان سرل^۱، ژرفای خطبه عیادت رمز گشایی شود و حقایق نهفته در سخنان ایشان روشن گردد.

بررسی پیشینه مقاله حاضر نشان می‌دهد، مقاله‌هایی با رویکرد نظریه زبان‌شناسی سرل نوشته شده است. مقاله‌هایی مانند تحلیل متن‌شناسی زیارت‌نامه امام رضا (علیها السلام) بر پایه

۱. جان راجرز سرل (John Searle) متولد ۱۹۳۲م در کلرادو از فیلسوفان سرشناس معاصر به شمار می‌آید. جان سرل دکترای خود را از دانشگاه آکسفورد دریافت کرد و استاد دانشگاه برکلی بود. تخصص وی در فلسفه زبان، فلسفه ذهن و موضوعات خودآگاهی است.

نظریه کنش گفتار به قلم محمدرضا پهلوان نژاد و مهدی رجب زاده (۱۳۸۹)، تحلیل خطبه ۵۱ نهج البلاغه براساس طبقه بندی جان سرل از کنش های گفتاری به قلم سیده مریم فضائی و دکتر محمد نگارش و تحلیل خطبه حضرت زینب سلام الله علیها در کوفه بر اساس نظریه کنش گفتار نوشته طاهره ایشانی و معصومه نعمتی قزوینی (۱۳۹۳)، مقاله تحلیل خطبه فدکیه براساس نظریه کنش گفتاری (۱۳۹۵) نوشته مهدی داود آبادی فراهانی از این گونه هستند.

همچنین، مقاله ای در ارتباط با تحلیل خطبه فدکیه به نام تحلیل گفتمان/انتقادی حضرت زهرا (ع) به قلم کبری روشنفکر و فاطمه اکبری زاده (۱۳۹۰) و کتاب حماسه ای بی نظیر در کنار بستر حضرت زهرا (ع) (۱۳۷۰) به قلم محمد حسین بروجرودی نوشته شده است، اما کنش های گفتاری در خطبه آن حضرت (ع) در جمع زنان مدینه تا کنون به روشی زبان شناختی دیدگاه سرل و به صورت تاریخ مند مورد تحلیل قرار نگرفته است. از این رو، نوشته حاضر با مقاله های پیشین تفاوت دارد.

پرسش اصلی مقاله در این جهت است که نظریه کنش گفتاری جان سرل چگونه به دسته بندی، طبقه بندی و تحلیل گزاره های کلام حضرت (ع) کمک می کند؟ و از سوی دیگر در خطبه حضرت (ع) چه نوع کنش های گفتاری به کار رفته است؟ و بسامد هر یک از کنش ها چه قدر است؟ آیا خطبه عبادت، مفهومی تاریخ مند دارد؟ چه ارتباط معنا داری میان کنش های زبانی و بافت موقعیتی خطبه وجود دارد؟ این کنش ها چه دریافتی از فضای سیاسی - اجتماعی دوره به ما می دهد و چگونه می توان از دریچه کنش های زبانی به درون شرایط تاریخی دوره ورود پیدا کرد؟ بی شک تحقیق و پژوهش پیرامون سخنان حضرت زهرا (ع) به عنوان میراثی ارزشمند ضروری است

۲. مفهوم شناسی

در ادامه برخی از مفاهیم کلیدی مورد استفاده در تحقیق، تبیین می گردد.

۲-۱. خطبه عیادت

زمانی که حضرت زهرا (علیها السلام) در بستر بیماری قرار داشت، زنان مهاجران و انصار به عیادت ایشان رفتند. حضرت زهرا (علیها السلام) در جمع آنان به سخنرانی پرداخت. ایشان به دلایل عدم حمایت مردان آنان و این که جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در جایگاه نادرستی قرار گرفته است، اشاره فرمود و آنان را از وضعیت آینده خویش و مطالبی دیگر با خبر ساخت.^۱

۲-۲. گفتمان

گفتمان با واحدی بزرگ تر از جمله سر و کار دارد.^۲ گفتمان تنها به معنای ظاهری، ساختار و صورت کلامی در کلام بسنده نمی کند. بلکه شرایط زمانی، مکانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کلام را به صورت پنهانی در بردارد. به بیان دیگر، گفتمان حاصل کنش های زبانی، غیر زبانی، اندیشگانی، فرهنگی صاحبان فکر و بیان و تبلور بینش کلام است.^۳ هم چنین، گفتاری است که از دیدگاه ارزش ها و اعتقادات بررسی می شود.^۴ گفتمان مجسم کننده معنا و ارتباطات اجتماعی است، شکل دهنده ذهنیت و ارتباطات اجتماعی-سیاسی است.^۵

یار محمدی، گفتمان را محصول ارتباط و تعامل مباشران گفت و گو در بافتی اجتماعی-فرهنگی می داند که اجزای آن به هم مربوط هستند و هدف خاصی دارند.^۶ هم چنین، هریس زلیک^۷ (۱۹۹۲م) بحث درباره گفتمان را در دو بعد اطلاعات زبانی و غیر زبانی مثل

۱. ابن بابویه، معانی الأخبار، ص ۳۵۵.

۲. صلح جو، گفتمان و ترجمه، ص ۷.

۳. آقا گل زاده، تحلیل گفتمان انتقادی، ص ۱۵.

4. Mils, Discourse Analysis, p 12.

۵. عضدانلو، گفتمان و جامعه، ص ۱۷.

۶. یار محمدی، گفتمان شناسی رایج و انتقادی، ص ۳-۴.

7. Harris Zilick.

فرهنگ، محیط و اجتماع می‌داند. او تأکید می‌کند، زبان به اضافه بافت است و بافت را چیزی می‌داند که ما هنگام کاربرد زبان با خود همراه داریم. بافتی که شامل تجربیات ما، فرضیات و انتظارات ما می‌شود. بافتی که در ارتباط و مذاکره با دیگران، کاربردهای اجتماعی آن را تغییر می‌دهیم و به کار می‌گیریم.^۱

۲-۳. تحلیل گفتمان

اسلمبروک^۲ (۱۹۶۸م) تحلیل گفتمان را مطالعه روابط متقابل زبان و جامعه، مطالعه خصایص تعاملی و گفت‌وگویی ارتباط روزمره می‌داند.^۳ گالاسینسکی^۴ (ز. ۱۹۸۲م) با اشاره به گرایش زبان‌شناسی انتقادی، تحلیل گفتمان را فنونی تحلیلی می‌داند که برای آشکار ساختن الگوهای فهم، باور، ارزش و ساختار ایمان مندرج در گفتمان به کار می‌رود.^۵ کاپلان^۶ (ز. ۱۹۷۳م) تحلیل گفتمان را فراتر رفتن از صورت‌های آشکار زبان و رسیدن به زمینه‌های اجتماعی و کشف رابطه متقابل میان زبان و فرایندهای اجتماعی می‌داند.^۷ در دیدگاه زبان‌شناسان، معنای اصلی کلام اهمیت دارد که با در نظر گرفتن رابطه و ساختار جمله‌ها و واژه‌ها با یکدیگر (عوامل درون زبانی) به دست می‌آید و نویسنده به جهت ملاحظات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی (عوامل برون زبانی) از بیان آن خوداری می‌نماید.^۸

۱. بهرامپور، درآمدی بر تحلیل گفتمان، ص ۲.

2. Slembrouck.

۳. تاکی، نقش نماهای کلامی در گفتمان‌های استدلالی زبان فارسی، ص ۲.

4. Galasinski.

5. Coupland, Nikolas. The Discourse Reader. p110.

6. Coupland.

7. Galasinski, Cleaning up its act: The CIA on the internet, p. 2-7

۸. بهرامپور، درآمدی بر تحلیل گفتمان، ص ۲۴۱.

یکی از شیوه‌هایی که می‌توان به واسطه آن به ناگفته‌های نویسنده دست یافت، استفاده از تحلیل کنش‌های گفتاری متن است. در این روش، زمینه‌های اجتماعی متن تبیین می‌گردد و افزون بر محک زدن گزاره‌های تاریخی، می‌توان فضای تاریخی-اجتماعی متن را بهتر شناخت.

۲-۴. نظریه کنش گفتاری

آستین^۱ (۱۹۱۱م)^۲ در کتاب *چگونه کلمات، کار انجام می‌دهند؟* از نظریه کنش گفتاری نام می‌برد و معتقد است که فعل مبادله اطلاعات نیست، بلکه به عنوان عمل شناخته می‌شود.^۳ به عنوان نمونه، زمانی که فرد سلام می‌کند، عمل او درست در زمانی انجام می‌شود که این واژه را بر زبان می‌آورد. در چنین مواردی می‌گویند که گفتن برابر با کنش است که همراه با گفتن کاری انجام می‌شود. آستین این گونه فعل‌ها را کنش می‌نامد و بین این افعال و افعالی که اطلاعات را به صورت غیر کنشی انتقال می‌دهند، فرق می‌گذارد.^۴

نظریه کنش گفتاری آستین، سه نوع کنش بیانی، کنش تأثیری و کنش منظوری است.^۵ کنش بیانی به معنای تحت اللفظی واژه‌های موجود در یک جمله گفته می‌شود که در فرهنگ لغت‌ها به آن اشاره می‌گردد. کنش‌های منظوری و غیر بیانی به معنای قصد و نیت گوینده از گفتن یک جمله است که به روشنی نمی‌تواند، آن نیت را بیان کند.

1. Austin.

۲. وی استاد فلسفه اخلاق دانشگاه آکسفورد بود و در تمامی سخنرانی‌های خود به مباحث کاربردهای زبان اشاره می‌کرد. پس از مرگ وی، یادداشت‌های مربوط به سخنرانی‌هایش ویرایش گردید و در سال ۱۹۶۲ به صورت کتاب منتشر شد.

۳. فضائلی، تحلیل خطبه پنجاه و یکم خطبه نهج البلاغه براساس طبقه بندی سرل از کنش‌های گفتاری، ص ۸۴.

۴. صفوی، درآمدی بر معنی شناسی، ص ۱۷۳-۱۷۴.

۵. پایا، فلسفه تحلیلی، مسائل و چشم اندازها، ص ۴۴۰.

کنش تأثیری به معنای نتیجه و پی‌آمد گفتار است. به عبارت دیگر، واکنش مخاطب نسبت به کنش منظوری است.^۱ جان سرل، نظریه کنش‌های گفتاری را گسترش داد و کنش‌های گفتاری را به پنج دسته اظهار، ترغیبی، عاطفی، تعهدی و اعلامی تقسیم کرد^۲ که در ادامه، توصیف هر یک ارائه می‌شود.

۲-۴-۱. کنش اظهار

در این کنش، گوینده باور و تعهد خود را نسبت به راستی و درستی واقعه‌ای نشان می‌دهد و سعی می‌کند که وقایع و پدیده‌های جهان را توصیف کند. در این نوع از کنش از افعالی هم‌چون اظهار کردن، بیان کردن، تأیید کردن، تکذیب کردن، اثبات کردن، اعتراض کردن، معرفی کردن، تصحیح کردن، دلیل آوردن و گزارش دادن استفاده می‌شود.^۳

۲-۴-۲. کنش ترغیبی

هدف غیر بیانی این کنش، ترغیب مخاطب برای انجام کاری و قرار دادن شنونده در حالت تکلیف و اجبار برای انجام عملی است و شامل افعال پرسیدن، دستور دادن، تهدید کردن، اعتراض کردن، اخطار دادن، هشدار دادن و التماس کردن می‌شود.^۴

۲-۴-۳. کنش تعهدی

این کنش مربوط به متعهد کردن خود گوینده برای انجام دادن عملی در آینده است. گوینده با بیان آنها، خود را به انجام دادن اموری مکلف می‌سازد. این کنش افعالی، مانند قول دادن، سوگند خوردن و متعهد شدن را در بر می‌گیرد.^۵

۱. همان.

2. Searle, Speech Acts, an Essay in the Philosophy of Language, p33.

۳. پهلوان نژاد، بررسی کنش‌های گفتار در سخنرانی روسای جمهور ایران و آمریکا شهریور ۱۳۸۵، ص ۱۰.

۴. همان، ص ۱۲.

۵. استرول، فلسفه تحلیلی در قرن بیستم، ص ۲۷۴.

۲-۴-۴. کنش عاطفی

هدف غیر بیانی این کنش، بیان حالت احساسات و حالت‌های روان شناختی و دیدگاه‌ها است. در جمله‌های عاطفی، هدف گوینده بیان برخی حالت‌های روان شناختی درباره وضعیت اموری است که در محتوای گزاره‌ای بیان شده است.^۱

۲-۴-۵. کنش اعلامی

هدف غیر بیانی این کنش توصیف حالتی یا حادثه‌ای است. هدف گوینده ایجاد وضعیت امور بیان شده در محتوای گزاره‌ای است که به درستی انجام موفقیت آمیز کنش گفتاری منحصر است.^۲

۳. بافت تاریخی خطبه

آگاهی از بافت تاریخی شرط لازم برای ورود به تحلیل خطبه است. بنابراین، برای شناخت بهتر مطالبی پیرامون شرایط سیاسی، اجتماعی و تاریخی که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در جامعه مدینه ایجاد شد، ارائه می‌گردد. پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، بحران‌های فردی و اجتماعی شکل گرفت. فتنه‌های زیادی در جامعه شکل گرفت. مردم مدینه به دلیل از دست دادن پیامبر صلی الله علیه و آله و ترس از آینده جامعه اسلامی نگران بودند.

هنگامی که امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام (د. ۴۰ق)، عباس بن عبدالمطلب عموی پیامبر صلی الله علیه و آله (د. ۳۲ق)، فضل بن عباس (د. ۱۸ق)، قثم بن عباس (د. ۵۶ق)، اسامه بن زید (د. ۵۲ق) و اوس بن خولی (د. ۲۵ق) به تدارک غسل و خاک‌سپاری پیامبر صلی الله علیه و آله پرداختند.^۳

1. Searle, and Vanderveken, Foundations of Illocutionary Logic. P 37.

۲. همان.

۳. سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ص ۱۴۳؛ ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۶۶۴، مسعودی، التنبیه والاشراف، ص ۲۴۴؛ اندلسی، عقد الفرید، ج ۳، ص ۶۱.

جمعی از مهاجران و انصار در زیر سایبانی به نام سقیفه بنی ساعده دور هم گرد آمدند و سعی کردند، جانشینی پس از پیامبر ﷺ معین کنند.^۱

در اجتماع سقیفه، هر یک از مهاجران و انصار سعی می کردند با بیان مناقب و فضیلت ها، گروه خود را سزاوارتر از دیگری نشان دهند. در آن جلسه، عمر بن خطاب (د. ۳۳ق) در پاسخ انصار گفت:

دو شمشیر در یک غلاف جای نمی گیرد، و مردم عرب از شما اطاعت

نمی کنند.^۲

در پایان، مهاجران بر انصار پیروز شدند. این بیعت که با حضور چند تن از صحابه و در غیبت بیشتر اصحاب برجسته رسول خدا ﷺ انجام شد، بیعت سقیفه^۳ نام گرفت. اهالی سقیفه یک روز، پس از بیعت سقیفه بر آن شدند با فراخواندن مسلمانان به مسجد پیامبر ﷺ، بیعت روز گذشته را به بیعت عام تبدیل کنند.^۴ این اقدام انجام شد، اما امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) از بیعت امتناع کرد و خلافت را حق انکار ناپذیر خویش شمرد^۵ و تا وفات حضرت فاطمه (ع) بیعت نکرد.^۶

روشن است که در چنین شرایطی، خاندان اهل بیت و به ویژه حضرت زهرا (ع) از هرگونه، تلاشی برای روشن گری فروگذار نکردند. وفات پیامبر ﷺ از یک سو و واگذار نشدن امر خلافت به امیرالمؤمنین حضرت علی (ع)، اندوه کمی نبود. حضرت

۱. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۲، ص ۶۵۶؛ حمیری، السيرة النبوية، ج ۴، ص ۱۴۳.

۲. واقدی، الردة، ص ۳۹.

۳. طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۱۰.

۴. همان؛ کاندهلوی، معرفة الصحابة، ج ۲، ص ۲۳۵.

۵. واقدی، الردة، ص ۴۶.

۶. همان، ص ۴۷.

فاطمه علیها السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله با فاصله اندکی^۱ رحلت فرمود.^۲ بی شک، وجود حضرت زهرا علیها السلام از امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام جدا نیست. همان گونه که امیرالمؤمنین علیه السلام بر حق خویش بر خلافت اصرار داشت و تا مدتی از بیعت خودداری نمود، دیدن این ظلم برای حضرت زهرا علیها السلام هم اندوهی پس از اندوه رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

حضرت زهرا علیها السلام در اواخر حیات خویش بیمار بود. به گونه‌ای که افزون بر عیادت زنان مهاجر و انصار، خلیفه اول و دوم با کسب اجازه به عیادت ایشان رفتند.^۳ آنچه در این خطبه مهم است، انگیزه اصلی زنان مهاجر و انصار است که آیا مردان، آنان را به این کار فرا خوانده بودند؟ که در این حالت چه کسی مردان مدینه را به این کار واداشته بود؟ یا این که خود زنان مهاجر و انصار به این درک و فهم رسیده بودند که به دختر پیامبر صلی الله علیه و آله ظلم کرده‌اند و ایشان را یاری نکرده‌اند و خواستند با عیادت از ایشان، وجدان خویش را راضی کنند و تألمی را که بر اثر مصایب و ناگواری‌ها بر حضرت علیها السلام وارد شده بود، تخفیف دهند.

یا این که دلایل و انگیزه‌های سیاسی آنان را وادار کرده بود به هر صورت ممکن، رابطه‌ای دوستانه میان خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و حاکم وقت ایجاد نمایند تا فضای مدینه تلطیف شود؛ زیرا موضع‌گیری و انزوای حضرت زهرا علیها السلام در جامعه مدینه، خالی از تأثیر نبود و در بیداری مردم و آگاهی بخشی به آنان موثر بود.^۴

۱. صد روز.

۲. ابن قتیبه، المعارف، ص ۱۴۳.

۳. لَمَّا مَرَضَتْ فَاطِمَةُ أَتَاهَا أَبُو بَكْرٍ فَاسْتَأْذَنَ، فَقَالَ عَلِيٌّ: يَا فَاطِمَةُ هَذَا أَبُو بَكْرٍ يَسْتَأْذِنُ عَلَيْكَ، فَقَالَتْ: أَتَجِبُ أَنْ أَدْنَ لَهُ؟ قَالَ: نَعَمْ، فَأَدْنَتْ لَهُ، فَدَخَلَ عَلَيْهَا يَتَرَضَّاهَا وَقَالَ: وَاللَّهِ مَا تَرَكْتُ الدَّارَ وَالْمَالَ وَالْأَهْلَ وَالْعَشِيرَةَ إِلَّا ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَرْضَاتِكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، ثُمَّ تَرَضَّاهَا حَتَّى رَضِيتَ (ذهبی، تاریخ اسلام، ج ۳، ص ۴۷؛ کاندهلوی، حیات الصحابة، ج ۳، ص ۱۶۵).

۴. قزوینی، فاطمه زهرا از ولادت تا شهادت، ص ۶۶۶.

بر مطالب بالا باید احادیث بسیار رسول خدا ﷺ پیرامون فاطمه زهرا (ع) به ویژه حدیث فاطمه بضعه منی^۱ را افزود؛ زیرا عدم رضایت فاطمه زهرا (ع) موجب غضب رسول خدا ﷺ می شد. در هر صورت، حضرت از این فرصت به بهترین شکل استفاده کردند و حرکتی نو در جامعه مدینه ایجاد کردند و ابعاد مختلف این فاجعه را بیان نمودند و از ظلم و ستیز گروه افراطی انتقاد کردند.

حضرت در جمع زنان مهاجر و انصار، فرصت را مغتنم شمردند و با دلی سرشار از درد و رنج، مسائل سیاسی-اجتماعی مدینه، ریشه های جریان سقیفه، پی آمدهای منفی فساد، دلایل گمراهی جامعه، سلطه افراد ناشایست بر شایستگان و ملاک انتخاب حقیقی را مطرح نمودند.^۲

۴. تحلیل انتقادی متن خطبه حضرت زهرا (ع) براساس نظریه کنش های گفتاری

بر اساس آنچه بیان شد، تحلیل گفتمان انتقادی حضرت زهرا (ع) را بررسی می کنیم و پاره ای از گفتارهای آن را از این بعد می نگریم.

۴-۱. رستاخیز فکری بانوی اسلام

پاره گفتار ابتدایی خطبه، رستاخیز فکری بانوی دو عالم را نشان می دهد. سوید بن- غفله (د. ۸۲ق) در این باره نقل می کند:

هنگامی که حضرت فاطمه (ع) بیمارگشت. همان بیماری که در آن وفات یافت، زنان مهاجر و انصار به عیادتش رفتند و گفتند: ای دختر پیامبر با این بیماری چگونه صبح کردی؟ حضرت فاطمه (ع) بعد از حمد خدا و درود بر پدرش، فرمود: به خدا سوگند! در حالی صبح کردم که از دنیای شما متنفرم و از

۱. صنعانی، المصنف، ج ۷، ص ۳۰۱؛ ابن ابی شیبہ، المصنف، ج ۶، ص ۳۸۸؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۲۶، ص ۴۶.

۲. رک: احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۱۷۹.

مردان شما خشم‌ناک و بیزار هستیم.^۱

بافت موقعیتی خطبه، اوضاع نامطلوب اجتماعی و انتقال خلافت اسلام از خاندان پیامبر (ص) را نشان می‌دهد که سبب انتقاد شدید حضرت گردید. در حقیقت اتهام به دنیا طلبی در مورد فدک، قدرت طلبی و انحراف از موضع درست خلافت سبب شد که حضرت موضعی انتقادی اتخاذ نمایند و از تساهل مردان مدینه، گله مند باشند.

زنان مهاجر و انصار قصد داشتند از سلامت حضرت و اوضاع و احوال ایشان آگاهی یابند و با احترام از ایشان، دل جویی و عیادت نمایند. حضرت در پاسخ سؤال این زنان از روی عمد از آشفتگی و رنجوری حال خویش سخنی نگفتند و این گونه جواب دادن را واجب‌تر از بیان حالات جسمی خود دانستند؛ زیرا درد حضرت، فتنه سقویه بود که تألمات روحی فراوانی بر ایشان وارد نموده بود. درد ایشان بی‌توجهی صحابه، پایمالی سنت رسول‌الله و ضایع کردن حق ولایت بود.

حضرت ناخشنودی و بی‌زاری خود را از مرد نمایان مدینه اعلام نمودند. حضرت زهرا (علیها السلام) آغاز سخن خویش را با حمد و ستایش خداوند شروع کردند و درود بر پیامبر (ص) فرستادند. این گونه سخن گفتن حضرت نشان‌دهنده بافت موقعیتی آن دوران و پاسخ به کسانی است که مقام معنوی اهل بیت را منکر شدند و بی‌رحمانه به خانه وحی تجاوز کردند و شخصیت امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) را در بین مردم بی‌اعتبار نشان می‌دادند. حضرت سعی داشتند با یادآوری نسب خویش، مردم را آگاه سازند.^۲

در جمله بعدی، عائقة از عائف الشی العائف (عیف) آن که از چیزی اجتناب ورزد و به معنای کراهت داشتن است^۳ و قالیة به معنای کینه در دل قرار گرفتن و مغبضه است^۴؛

۱. طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۸.

۲. قزوینی، فاطمه زهرا از ولادت تا شهادت، ص ۶۶۹.

۳. بستانی، فرهنگ ابجدی، ص ۵۹۲.

۴. همان، ص ۶۸۰.

یعنی این که از عملکرد مردان شما خشمگین هستم و بغض مردان شما در دلم جای گرفته است. عدم همراهی جدی مردم مدینه در موارد مورد اشاره در این پژوهش درباره حق خلافت امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) و هم‌چنین، گرفتن فدک، گواه روشنی است که مردم مدینه در شرایط نیاز به همراهی و تأیید، حضور نداشتند و اقدامی نکردند. این گفتارهای حضرت به شکل چشم‌گیری، متأثر از فضای درد آلود مدینه است. بنابراین، حضرت در کلام خویش از کنش‌های عاطفی، اعلامی و ترغیبی بهره بردند.

۴-۲. انتقاد از مردان مدینه

درون و بیرون ایشان را آزمودم و نامشان را از دهان خویش به دور افکندم.

از آنچه کرده‌اند، ناخشنود هستم.^۱

در این جمله، واژه لَفْظَ از لَفْظَ - لَفْظًا الشَّيْءَ و بِالشَّيْءِ مِنَ الْفَمِ؛ چیزی را از دهان بیرون انداخت^۲ و واژه شَنَّاً به معنای بغض و سَبَرَ به معنای امتحان است. تحلیل بافت موقعیتی خطبه نشان می‌دهد که حضرت از رفتارهای نابه‌هنجار و نیت‌های سوء مردان مدینه و بی‌توجهی آنان نسبت به جایگاه اجتماعی و تاریخی خویش ناخشنود هستند. در واقع، ملاک افتخار و زشتی در جامعه مدینه، لایق بودن مردان آن است و محیط اگر آفت زده باشد باید از آن گریزان شد و منشأ بی‌اشتهایی حضرت به جامعه مدینه آن تاریخ، ناپختگی و نارسایی میوه وجود مردان مدینه بود.^۳ بنابراین، با توجه به بافت موقعیتی، ایشان سه خصلت مردان نالایق مدینه را شرح دادند.

۱. لَفْظُهُمْ بَعْدَ أَنْ عَجَمْتُهُمْ وَ شَنَنْتُهُمْ بَعْدَ أَنْ سَبَرْتُهُمْ (طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۸).

۲. بستانی، فرهنگ ابجدی، ص ۷۵۸.

۳. منتظری، خطبه حضرت و ماجرای فدک، ص ۳۸۰.

۴-۲-۱. مردان عافیت طلب

چه زشت است کندی شمشیرها.^۱

فلول از فُلُل - فَلَ السیفُ به معنای کندی شمشیر است.^۲ وَحَدَّ آن چیزی را گویند که تیز باشد و حَدَّت داشته باشد و نهایت هر چیزی را حَدَّ می گویند.^۳ جمله فلول الحد کنایه از شدت ترس و عدم همت برای مقابله با ظلم است و شروع جمله با قبحا و ادامه جمله ای کنایی، ترس را نشان می دهد. بافت موقعیتی خطبه، نکوهش و هجو حضرت نسبت به بی اعتنایی مردان مدینه به جهاد و غلبه ترس و از دست دادن روحیه شهادت طلبی را نشان می دهد.

حضرت زهرا (علیها السلام) عملکرد آنان را چونان شمشیری می داند که اینک هیچ خاصیتی ندارد و خیلی زشت است که آنان که باید مردانگی و غیرت داشته باشند، اینک ترسو شده اند و دنیا طلب هستند و در مقابل ظلم حرکتی نمی کنند و با عملکرد آنان، کار براننده ای نمی توان انجام داد. با توجه به این بافت تاریخی، حضرت از کنش عاطفی و اظهاری استفاده نمودند.

۴-۲-۲. مردان بازیچه

و چه زشت است سستی و بازیچه بودن مردانتان، پس از آن همه تلاش و

کوششها.^۴

بافت تاریخی به ناخشنودی حضرت از فقدان مسئولیت مردان مدینه در برابر ظلم اشاره دارد. حضرت اشاره می کند که این مردان همان هایی هستند که در صدر اسلام،

۱. فُقُبْحاً لِفُلُولِ الْحَدِّ (طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۸).

۲. بستانی، فرهنگ ابجدی، ص ۶۷۰.

۳. همان، ص ۳۲۰.

۴. وَ اللَّعِبِ بَعْدَ الْجِدِّ (طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۸).

فداکاری و جهاد می نمودند و اینک به مرحله ای رسیده اند که به بازی های سیاسی گرفتار شده اند و ارزش های انسانی را فراموش کرده اند. بنابراین، با توجه به موارد پیشین، این عبارت کنش عاطفی و متضمن هجو و مذمت مردان مدینه است.

۴-۲-۳. سستی مردان

و چه زشت است سر بر سنگ خارا زدن.^۱

واژه الصفاة به معنای سنگ صافی است که در آن هیچ چیزی، اثرگذار نیست و کنایه از کار بیهوده، سستی، خواری و تسلیم است. بافت تاریخی اشاره دارد که مردان مدینه، تسلیم شرایط ایجاد شده بودند. بدین سبب حضرت از گفتار عاطفی استفاده نمودند که متضمن هجو و نکوهش است.

هم چنین، عبارت شکاف برداشتن نیزه ها^۲ بر بافت تاریخی خطبه اشاره دارد. مردان مدینه با وجود آگاهی از حقیقت، هیچ اقدامی انجام ندادند. به نظر می رسد، آنان با این احتمال که کاری ساخته نیست، منفعل شده بودند.

جمله فساد آرا و اندیشه ها^۳، اشاره به این مسئله تاریخی دارد که پس از رحلت پیامبر ﷺ انحراف و خطای دیدگاه ها بسیار شده بود. شرایط پس از رحلت پیامبر ﷺ و دو دستگی یا چند دستگی در میان اصحاب پیامبر ﷺ که پیش از این مردم، آن را تجربه نکرده بودند، سبب شد که با وجود تجربه جریان غدیر و مشخص شدن مسیر بعد از پیامبر ﷺ عده ای در بیان عقیده دچار تردید شوند و به جانب دیگری متمایل گردند.

عبارت انحراف آرمان و انگیزه ها^۴ در بافت موقعیتی خطبه، اشاره به لغزش اراده ها دارد. مردان مدینه از حقیقت آگاه بودند و به سبب فاصله کوتاه از رحلت پیامبر ﷺ

۱. قرع الصفاة (همان).

۲. و صدع القناة (همان).

۳. و خطل الآراء (همان).

۴. و زلل الأهواء (همان).

می‌دانستند که باید پیرو حق باشند، اما اراده‌ای برای گفتن سخنی و یا انجام کاری نداشتند.

نداشتن اراده یا به جهت ناامیدی از موفقیت در ابراز سخن و یا انجام کار است و یا به سبب دل‌بستگی به منافع دنیایی. بی‌شک چنین مردانی برای انجام ندادن عکس‌العمل، بهانه‌های زیادی داشتند. همان گونه که وقتی مردانی مشابه آنها در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) به جنگ فرا خوانده شدند بهانه‌ها مختلفی را، مانند این که خانه‌های ما بی‌حفاظ است، مطرح نمودند.^۱

۳-۴. اتمام حجت با مردان مدینه

برای خویشتن چه بد ذخیره‌هایی تدارک دیدند و پیش فرستادند و خداوند بر آنان خشم گرفته و در عذاب الهی جاودانه خواهند بود. بدون شک، مسئولیت سنگین عهد و پیمان الهی در گردن ایشان همواره سنگینی خواهد نمود. ناچار کار را به آنها واگذار و ننگ عدالت‌کشی را برایشان بار کردم. نفرین بر این مکاران باد و ستمگران دور از رحمت حق باشند.^۲

بافت موقعیتی خطبه، اشاره‌ای به بی‌پاسخی مردان مدینه در برابر ندای حق طلبانه حضرت زهرا (علیها السلام) است. حضرت نسبت به عواقب این اقدام و خروج از مجرای صحیح

۱. ر.ک: وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا؛ و چون گروهی از آنان گفتند: ای مردم مدینه، دیگر شما را جای درنگ نیست، برگردید. و گروهی از آنان از پیامبر اجازه می‌خواستند و می‌گفتند: خانه‌های ما بی‌حفاظ است و [لی خانه‌هایشان] بی‌حفاظ نبود، [آنان] جز گریز [از جهاد] چیزی نمی‌خواستند (احزاب: ۱۳).

۲. وَ بئس ما قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ، وَ فِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ، لَا جَرَمَ لَقَدْ قَلَّدْتُهُمْ رِبْقَتَهَا وَ حَمَلْتُهُمْ أَوْقَتَهَا وَ شَنَنْتُ عَلَيْهِمْ غَارَاتِهَا فَجَذَعًا وَ عَقْرًا وَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۸).

خلافت هشدار دادند و اعلام داشتند که مسئولیت و عواقب تمامی ظلم‌ها و سلب حقوق اهل بیت در پیشگاه خداوند با خودتان است.

حکومت هر مسیری انتخاب نماید، مردم باید دنباله رو حق و عدالت باشند. هرگونه اقدام حکومت، توجیهی برای رفتار مردم نیست. احساس مسئولیت حق خواهی و عدالت طلبی، وظیفه یک مسلمان است. بدین سبب حضرت از کنش عاطفی و اعلامی بهره بردند تا مردم مدینه را نسبت به مسئولیت سنگین خویش هشدار دهند.

۴-۴. انتقاد از تغییر جایگاه اصیل خلافت

وای بر آنان! چرا نگذاشتند حق در مرکز خود قرار یابد و خلافت بر پایه‌های نبوت استوار ماند؟ از خانه‌ای که جبرئیل در آن فرود می‌آمد، به خانه دیگر بردند و حق را از دست علی علیه السلام گرفتند که عالم به امور دین و دنیا است. بدانید که این زیانی بزرگ و آشکار است. چه سبب شد که با علی علیه السلام کینه توزی نمایند و انتقام گیرند؟^۱

همان گونه که پیش از این اشاره شد و امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام از حق خویش بر خلافت سخن گفت، حضرت زهرا علیها السلام در این فراز از خطبه با لحن توییحی به کنار گذاردن حق امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام اشاره می‌نماید. با توجه با بافت تاریخی بالا، حضرت از کنش‌های اظهاری، عاطفی و به طور ضمنی ترغیبی استفاده نمودند.

۴-۵. دلیل بر کناری امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام

چون سوزش تیغ او را چشیدند و پایداری او را دیدند که نسبت به مرگ بی اعتنا بود، دیدند که چگونه بر آنان می‌تازد و با دشمنان خدا نمی‌سازد و آنان را

۱. وَيَسْأَلُهُمْ أَتَى زَعَزَعُوهَا عَنْ رِوَايَةِ الرِّسَالَةِ وَقَوَاعِدِ النُّبُوَّةِ وَالْإِلَهِيَّةِ وَ مَهْطِ الرُّوحِ الْأَمِينِ وَالطَّبِينِ بِأُمُورِ الدُّنْيَا وَ الدِّينِ. أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ وَ مَا الَّذِي نَقَمُوا مِنْ أَبِي الْحَسَنِ (همان).

عقوبت می‌کند و خشم علی (علیه السلام) در راه رضای خدا است.^۱

بافت تاریخی خطبه، اشاره به تردیدهای مردم مدینه درباره امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) دارد. مردم مدینه بی‌شک، تمام آنچه را حضرت زهرا (علیها السلام) درباره امیرالمؤمنین حضرت علی از شجاعت و بی‌اعتنایی به دنیا (علیه السلام) می‌فرمود، در خاطر داشتند، اما در شرایط پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و نزاع میان مهاجران و انصار که شاید بتوان از آن به نوعی بازگشت به خلق و خوی قبیله‌ای تعبیر کرد، عزمی جدی بر حمایت از امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) نداشتند. با توجه به بافت پیش‌رو، حضرت از کنش اظهاری بهره بردند.

۴-۶. حاکمیت بر حق امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام)

به خدا سوگند! اگر پای در میان می‌نهادند و علی (علیه السلام) را بر کاری که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عهده او نهاد، می‌گذارند. آسان ایشان را به راه راست می‌برد و حق هر یک را به او می‌سپرد. چنان که کسی زیانی نبیند و هر کس میوه آنچه کشته است، بچیند. این شتر را سالم به مقصد می‌رساند و حرکتش برای کسی رنج آور نبود. تشنگان عدالت را از چشمه سرشار و زلال حقیقت سیراب می‌کرد. چشمه‌ای که آب زلال آن، فواره زنان از هر طرفی جاری است که هرگز رنگ کدورت نپذیرد و همواره سیراب باشند و رنج تشنگی نبینند. علی (علیه السلام) همواره در پنهان و آشکار نصیحت کننده مردم بود و اگر به خلافت می‌رسید از اموال بیت المال برای خود ذخیره نمی‌نمود و از ثروت دنیا جز به اندازه نیاز برداشت نمی‌کرد، به اندازه آب اندکی که عطش را فرو نشاند و طعام مختصری که رفع گرسنگی نماید. در آن هنگام، زاهد از حریص به دنیا و راست‌گو از دروغ‌گو باز

۱. نَقَمُوا مِنْهُ وَاللَّهُ نَكِيرٌ سَفِيهِ وَ قِلَّةٌ مُبَالِغَةٌ لِحَتْفِهِ وَ شِدَّةٌ وَ طَائِبَةٌ وَ نَكَالٌ وَ قَعَتِهِ وَ تَنْمُرُهُ فِي ذَاتِ اللَّهِ (همان).

شناسانده می‌شد. اگر مردم چنین می‌کردند، ایمان آورده و تقوا پیشه کرده، حق را به امام واقعی می‌سپردند درهای رحمت از آسمان و زمین به روی آنان گشوده می‌شد، اما دروغ گفتند و به زودی خدا به کیفر آنچه کردند آنان را عذاب خواهد فرمود.^۱

بافت خطبه، اشاره به هشدار حضرت زهرا (علیها السلام) به نادیده گرفتن خواسته‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تأکید بر تفویض خلافت امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) است؛ زیرا بارها از پیامبر (صلی الله علیه و آله) وصایت امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) را شنیده بود.^۲ بدین سبب حضرت با به کارگیری کنش‌های اظهاری، ترغیبی و تعهدی، ویژگی‌های حکومت به حق امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) را تبیین نمودند.

۴-۷. سرزنش مردم از توطئه سقیفه

اکنون بیاید و بشنوید. شگفتا! روزگار چه شگفتی‌ها در پس پرده دارد و چه بازیچه‌ها یکی پس از دیگری، بیرون می‌آورد. اگر تعجب نمایی، پس گفته‌های آنان تعجب آور است. راستی مردان شما چرا چنین کردند؟ ای کاش! می‌دانستم

۱. وَ تَاللّٰهِ لَوْ مَالُواْ عَنِ الْمَحَبَّةِ اللَّائِيَةِ وَ تَكَافَوْاْ عَنِ زِمَامِ نَبَذِهِ إِلَيْهِ رَسُولُ اللّٰهِ وَ زَالُواْ عَنِ قَبُولِ الْحَبَّةِ الْوَاضِحَةِ؛ لَرَدَّوْهُمُ إِلَيْهَا وَ حَمَلَهُمْ عَلَيْهَا وَ لَسَا رَبَّهُمْ سِرّاً سَجْحاً. لَا يَكْلُمُ خَشَاشَةً وَ لَا يَكِلُ سَائِرَةً وَ لَا يَمَلُ رَاكِبُهُ وَ لَا وَرَدَهُمْ مِنْهَا نَميراً صَافِياً رَوِيّاً، تَطْفَحُ صَفَتَاهُ وَ لَا يَتَرَقَّقُ جَانِبَاهُ وَ لَا صَدْرُهُمْ بِطَاناً وَ نَصَحَ لَهُمْ سِرّاً وَ إِعْلَاناً وَ لَمْ يَكُنْ يَحْلِي مِنَ الْغِنَى بِطَائِلٍ وَ لَا يَحْظِي مِنَ الدُّنْيَا بِنَائِلٍ غَيْرَ رِئِ النَّاهِلِ وَ شَبَعَةِ الْكَافِلِ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَ مَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ (طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۱۰).

۲. وَ وَصِيِّي خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ وَ أَحَبُّهُمْ إِلَيَّ اللّٰهُ، وَهُوَ بَعْلُكَ. طبرانی، المعجم الكبير، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۵۷؛ أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِفَاطِمَةَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهَا: أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ أَطْلَعَ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَأَخْتَارَ مِنْهُمْ أَبَاكَ، فَبَعَثَهُ نَبِيّاً، ثُمَّ أَطْلَعَ الثَّانِيَةَ فَأَخْتَارَ بَعْلُكَ فَأَوْحَى إِلَيَّ فَأَتَيْتُكَ وَ اتَّخَذْتُهُ وَصِيّاً (طبرانی، همان، ج ۴، ص ۱۷۱).

به چه پناه‌گاهی تکیه داده اند؟ و کدام ستون استوار را انتخاب نمودند؟ و به کدام ریسمان چنگ زدند؟ و بر کدام فرزند و خاندانی پیشی گرفتند و غلبه نمودند. شگفتا! چه دوستان دروغین و سرپرستان نااهلی را انتخاب کردند و چه زشت است، سرانجام ستمکاران که جای‌گزین بدی برگزیدند. اینان به جای پره‌های بزرگ روی بال، دم را قرار دادند و به جای پشت، دم را برگزیدند. نفرین بر مردمی نادان که تبهکار هستند و تبهکاری خود را نیکوکاری می‌پندارند. بدانید که آنان فاسد هستند و به فساد خویش آگاهی ندارند. وای بر آنان! آیا آن‌که مردم را به سوی حق می‌خواند، سزاوار پیروی است، یا آن‌که راه را نمی‌داند و باید راهنمایی شود؟ در این باره چگونه داور می‌کنید؟^۱

بافت تاریخی خطبه، اشاره به هشدار حضرت زهرا (علیها السلام) به انتخاب تکیه‌گاه نادرست و سرزنش مردم مدینه است.^۲

۴-۸. آینده‌نگری از فرجام توطئه سقیفه

اَمَّا به جان خود سوگند! که نطفه این بسته شده است. [و شتر این فتنه آبستن شده به همین زودی خواهد زایید] انتظار کشید تا این فساد در پیکر اجتماع اسلامی منتشر شود. از پستان شتر پس از این خون و زهری که زود هلاک‌کننده است، بدوشید. در این‌جا است که پویندگان راه باطل زیان بینند و

۱. أَلَا هَلُمَّ فَاسْمَعْ، وَ مَا عِشْتَ أَرَاكَ الدَّهْرَ عَجَبًا، وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ، لَبِثَ شِعْرَى إِلَى أَيِّ سِنَادٍ اسْتَدَّوْا، وَ إِلَى أَيِّ عِمَادٍ اعْتَمَدُوا، وَ بَايَةَ عُرْوَةَ تَمَسَّكُوا، وَ عَلَى آيَةٍ ذُرِّيَّةٍ أَقْدَمُوا وَ احْتَكُوا؟ لَبِثَ الْمَوْلَى وَ لَبِثَ الْعَشِيرُ، وَ بَنَسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا. اسْتَبْدَلُوا وَاللَّهِ الذَّنَابِي بِالْقَوَادِمِ، وَالْعَجَزُ بِالْكَاهِلِ، فَرَغَمًا لِمُعَاطِسِ قَوْمٍ يَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا، أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَ لَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ، وَ يَحْتَمِلُونَ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى، فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۸-۱۱۰).

۲. منتظری، خطبه حضرت و ماجرای فدک، ص ۴۱۶.

مسلمانانی که در پی خواهند آمد، در می‌یابند که احوال مسلمانان صدر اسلام، چگونه بوده است. قلبتان با فتنه‌ها آرام خواهد گرفت. بشارتتان باد به شمشیرهای کشیده و بران و حمله مستبد و سرکش ستم‌کار و درهم شدن امور همگان و خودرأیی ستمگران. غنایم و حقوق شما را اندک خواهند داد و جمع شما را با شمشیرهای خویش دور خواهند کرد و شما جز میوه حسرت، برداشت نخواهید نمود. کارتان به کجا خواهد انجامید؟ در حالی که حقایق امور بر شما مخفی گردیده است. آیا شما را به کاری وادارم که از آن کراهت دارید؟^۱

بافت موقعیتی خطبه، اشاره دارد به آینده نگری حساب شده‌ای که نشأت گرفته از آگاهی ایشان از جامعه شناسی مدینه است. ایشان جامعه مدینه را این‌گونه ترسیم کردند که در مسیر انحطاط قرار دارد و مردم مدینه با انتخاب فردی دیگر، جامعه را دچار ذلت، خشونت و سرکوبی عدالت کردند. بدین سبب با به کارگیری کنش ترغیبی، عاطفی هشدار دادند و سوگند خوردند که در آینده، کسانی خواهند آمد که با شمشیر، خون بی گناهان را خواهند ریخت. قتل عام‌ها و ظلم‌ها فراگیر می‌شود و بیت المال به ناحق مصرف می‌گردد و سرانجام با لحنی دلسوزانه فرمودند:

ای دریغ! بر شما که همه خیر، برکت، هدایت، نیک بختی و آزادی را از

دست دادید و از این پس، حسرت و ندامت پایان ناپذیری، گریبان گیرتان خواهد

بود^۲ و نمی‌دانم که سرانجام شما به کجا خواهد انجامید؟ و افسوس که واقعیت‌ها

۱. اَمَّا لَعْمَرِي لَقَدْ لَقِيتُ فَنظَرَةً رَيْثَمَا تُتَجُّ ثُمَّ احْتَلَبُوا مِلَّةَ الْقَعْبِ دَمًا عَيْيَطًا وَ دُعَاةً مُبِيدًا هُنَا لَكَ يَخَسِرُ الْمُبْطِلُونَ وَ يَعْرِفُ التَّالُونَ غَيْبَ مَا اسَّسَ الْأَوَّلُونَ ثُمَّ طَيَّبُوا عَنْ دُنْيَاكُمْ أَنْفُسًا وَ أَطْمَأْنَنُوا لِلْفِتْنَةِ جَاشَأً أَبْشَرُوا بِسَيْفٍ صَارِمٍ وَ سَطْوَةٍ مُعْتَدٍ غَاشِمٍ وَ هَرَجٍ شَامِلٍ وَ اسْتِبدَادٍ مِنَ الظَّالِمِينَ وَ يَدْعُ فَيْئُكُمْ زَهِيداً وَ جَمْعُكُمْ حَصِيداً. فَيَا حَسْرَةً لَكُمْ وَ أَنِّي بِكُمْ وَ قَدْ: فُعْمِيتَ عَلَيْكُمْ أَنْزِلْ مُكْمُوها وَ أَنْتُمْ لَهَا كَارْهُوْنَا بِن (بابویه، معنی الأخبار، ۳۵۵؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۳۴).

۲. همان؛ همان.

از شما پوشیده شده است.

حضرت در ادامه از قرآن اقتباس کردند و فرمودند:

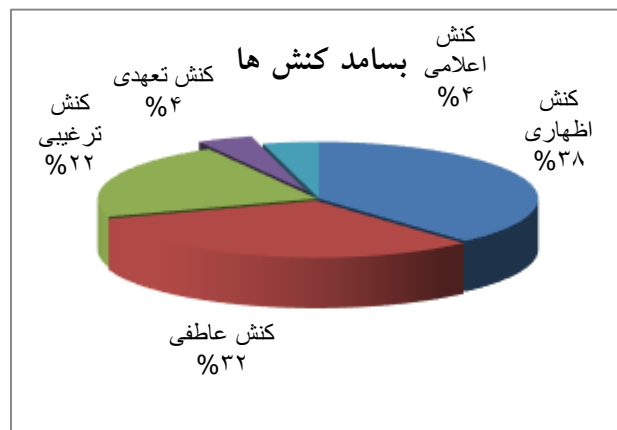
مقصود من روشن‌گری، هدایت و نیک بختی شما است و هرگز از وظایف

من این نیست که شما را به شناخت حق و عمل به آن مجبور سازم.

۵. نتیجه

با توجه به تحلیل متن خطبه و آنچه در جدول و نمودار مشاهده می‌شود، کنش‌های به کار رفته در خطبه حضرت زهرا (علیها السلام) به ترتیب بسامد کنش اظهاری، عاطفی، ترغیبی، اعلامی و تعهدی هستند. همان‌طور که مشخص است، بیشترین میزان به کارگیری در کنش‌ها را کنش اظهاری و عاطفی دارا هستند.

ردیف	انواع کنش	بسامد
۱	کنش اظهاری	۲۸
۲	کنش عاطفی	۲۳
۳	کنش ترغیبی	۱۶
۴	کنش تعهدی	۳
۵	کنش اعلامی	۳



از سویی، براساس آنچه در موقعیت شناسی خطبه و شرایط و اوضاع مدینه پس از رحلت پیامبر ﷺ اشاره شد، یکی از ویژگی‌های اساسی مردم مدینه، غفلت و سهل انگاری آنها در شناخت حکومت بر حق امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) بوده است. هم‌چنین، با تخریب جایگاه ارزشمند امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) و ایجاد شایعه و تسلط بر اذهان مردم، جامعه ناامن گردید.

این مسائل، حضرت زهرا (ع) را بر آن داشت برای آگاه ساختن مردم و هشدار آنان از بی‌توجهی به غفلت فراگیر از کنش اظهاري بیشتر استفاده نمایند. در واقع، هدف اصلی حضرت زهرا (ع) روشن‌گری و متنبه ساختن مردم مدینه و به خصوص زنان بود؛ زیرا هرکدام از زنان با مردان مدینه در ارتباط بودند. بنابراین، حضرت بر خود لازم دانستند که به افشای حقیقت بپردازند.

از سویی دیگر، یکی از اهداف حضرت در این خطبه، توصیف ویژگی‌های برحق امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) و افشای توطئه سقیفه و راز برکناری حضرت بود که از رهگذر کنش اظهاري محقق گردید. این در حالی است که کنش عاطفي پس از کنش اظهاري، بیشترین کنش را دارا است که به نظر می‌رسد، این امر نشان دهنده توانایی حضرت در شناخت مخاطبان خود بوده است.

به دلیل وجود رقابت مهاجران و انصار در تصاحب مناصب اجتماعی که گزارش‌هایی طولانی از کشمکش آنها در سقیفه خبر می‌دهد^۱، حضرت زهرا (علیها السلام) دریافت‌ه بودند که با استفاده از این کنش می‌توانند تأثیر به سزایی در افراد داشته باشند و وجدان‌های خفته را بیدار سازند. از طرفی بسامد بالای این کنش نشان دهنده نگرش احساسی حضرت است. کنش ترغیبی پس از این کنش‌ها، بیشترین میزان استفاده را دارد و به نظر می‌رسد، حضرت برای جلب توجه و تشویق آنان به گوش فرا دادن به سخنان خویش، بارها از این کنش استفاده نمودند. البته، طبیعی است که هر گوینده‌ای برای جلب مخاطبان خود از این روش استفاده نماید.

همان‌طور که در نمودار بیان شد، کنش‌های اعلامی و تعهدی به میزان کمتری از دیگر کنش‌های خطبه به کار رفته‌اند و در کنش اعلامی، گوینده باید استحقاق بیان شرایط جدید در جامعه را داشته باشد. حال آن‌که این خطبه در زمانی ایراد گردید که حقوق و جایگاه آنان غصب شده بود.

بنابراین، حضرت زهرا (علیها السلام) نمی‌توانستند از موضع قدرت سیاسی به ایراد سخن پردازند و شرایط جدیدی در جامعه اعلام کنند. به ویژه آن‌که در هنگام ایراد خطبه به دلیل جراحات جسمی و روحی ضعیف و ناتوان شده بودند.

هم‌چنین، در کنش‌های تعهدی گوینده سخن، خود را متعهد به انجام عملی می‌داند. حال آن‌که حضرت، فقط حقیقت‌ها را فاش کردند و نتوانستند جو حاکم را تغییر دهند و اگر هم سوگندی خوردند، برای تضمین حکومت امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) بود که اگر مردم همراه ایشان بودند، جامعه‌ای آرمانی شکل می‌گرفت.

۱. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۲، ص ۶۵۶-۶۶۲؛ واقدی، الردة، ص ۳۲-۴۸.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن ابی شیبہ، أبوبکر، المصنف فی الأحادیث و الآثار، تحقیق کمال یوسف الحوت، ریاض: مکتبة الرشد، ۱۴۰۹ ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم: ۱۴۰۳ ق.
۵. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، المعارف، تحقیق ثروت عکاشة، الطبعة الثانية، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۲ م.
۶. ابن هشام، عبدالمک، السيرة النبوية، تحقیق: مصطفى السقا وإبراهيم الأبياري وعبد الحفيظ الشلبي، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده، ۱۳۷۵.
۷. احمد بن حنبل، أبو عبد الله، مسند، تحقیق شعيب الأرناؤوط، عادل مرشد وآخرون، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ ق.
۸. _____، مسند الإمام أحمد بن حنبل، تحقیق أحمد محمد شاكر، قاهره: دار الحديث، ۱۴۱۶ ق.
۹. استرول، اورام، فلسفه تحلیلی در قرن بیستم، ترجمه فریدون فاطمی، تهران: مرکز، ۱۳۹۲.
۱۰. آقاگل زاده، فردوس، تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵.
۱۱. اندلسی، احمد بن محمد، عقداالفريد، تحقیق علی شیري، بيروت: دار احيا التراث العربي، ۱۴۰۹ ق.
۱۲. باغینی پور، مجید، «نگاهی گذرا به جنبه‌هایی از سخن کاوی»، زبان شناسی، ۱۳۸۰، شماره دوم.
۱۳. بشیر، حسن، کاربرد تحلیل گفتمان در فهم منابع دینی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵.
۱۴. بهرامپور، شعبانعلی، درآمدی بر تحلیل گفتمان، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان، ۱۳۷۹.
۱۵. پایا، علی، فلسفه تحلیلی، مسائل و چشم اندازها، تهران: طرح نو، ۱۳۸۳.
۱۶. پهلوان نژاد، محمد رضا و رجب زاده، مهدی، «تحلیل کنش شناسی زیارتنامه حضرت امام رضا بر پایه نظریه کنش گفتار»، مطالعات اسلامی - فلسفه و کلام، ۱۳۸۹، شماره ۸۵.
۱۷. حمیری، عبدالمک بن هشام، السيرة النبوية، تحقیق محمد محی الدین؛ مصطفى السقا ابراهیم الایباری و عبدالحفیظ شبلی، بيروت: دار المعرفة، 1375 ق.
۱۸. خساوی، شهین، زندگی سیاسی حضرت زهرا، تهران: انتشارات عابد، ۱۳۷۸.
۱۹. دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت زهرا، قم: انتشارات امیر المومنین، ۱۳۹۰.

۲۰. ذهبی، شمس الدین، تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبد السلام التدمری، الطبعة الثانية، بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۱۳ق.
۲۱. رمضان زاده، محمود، بررسی و تحلیل کنشهای گفتاری در گزیده‌ای از نمایشنامه‌های معاصر فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۶.
۲۲. روشنفکر، کبری و اکبری زاده، فاطمه، «تحلیل گفتمان انتقادی خطبه فدکیه حضرت زهرا»، منهای، ۱۳۹۰، شماره ۱۲.
۲۳. روشنفکر، کبری و محمدی، دانش، «تحلیل گفتمان حضرت زینب»، سفینه، ۱۳۷۸، شماره ۲۲.
۲۴. زرقانی، سیدمهدی و اخلاقی، الهام، «تحلیل ژانر شطح براساس نظریه کنش گفتار»، ادبیات عرفانی، ۱۳۹۱، شماره ۶.
۲۵. ساجدی، ابولفضل، «نظریه کنش گفتاری جان سرل آستین و فهم زبان قرآن»، قیسات، ۱۳۸۱، شماره ۲۵.
۲۶. سرل، جان، افعال گفتاری، ترجمه علی عبداللهی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
۲۷. سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، قم: انتشارات هادی، ۱۴۰۵ق.
۲۸. صلح جو، علی، گفتمان و ترجمه، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۳.
۲۹. صفوی، کوروش، درآمدی بر معنای شناسی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳.
۳۰. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق محمد باقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق
۳۱. طبری، أبوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الطبری، الطبعة الثانية، بیروت: دار التراث، ۱۴۰۳ق.
۳۲. طبرانی، أبو القاسم الطبرانی، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی بن عبد المجید السلفی، الطبعة الثانية، قاهره: دار النشر، ۱۴۱۵ق.
۳۳. عبد الرزاق صنعانی، أبوبکر، المصنف، تحقیق حبیب الرحمن الأعظمی، بیروت: المکتب الإسلامی، بی‌تا.
۳۴. عضدانلو، حمید، گفتمان و جامعه، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.
۳۵. فرکلاف، نورمن، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه، ۱۳۷۲.
۳۶. فضائلی، مریم و نگارش، محمد، «تحلیل خطبه پنجاه و یکم خطبه نهج البلاغه براساس طبقه بندی سرل از کنشهای گفتاری»، مطالعات اسلامی، ۱۳۹۰، شماره ۸۶/۳.
۳۷. قزوینی، سید محمد کاظم، فاطمه زهرا از ولادت تا شهادت، ترجمه علی کرمی فریدنی، قم: انتشارات نشر مرتضی، ۱۳۸۴.

۳۸. کاندهلوی، محمد یوسف بن محمد، حیاة الصحابة، تحقیق الدكتور بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر و التوزيع، ۱۴۲۰ق.
۳۹. لطفی پور، کاظم، «در آمدی بر سخن کاوی»، زبان شناسی، سال نهم، ۱۳۷۲، شماره ۱۷.
۴۰. مسعودی ابوالحسن علی بن حسین بن علی شافعی، التنبیه و الاشراف، تصحیح الصاوی، مصر: نشر دار الصاوی، ۱۳۴۶ ق.
۴۱. موسوی گرمارودی، ابوالفضل، بانوی بانوان، قم: انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۸.
۴۲. نعمتی قزوینی، سید محمد کاظم، فاطمه زهرا از ولادت تا شهادت، ترجمه علی کریمی فریدنی، قم: نشر مرتضی، ۱۳۸۴.
۴۳. نیلی پور، مهدی، فرهنگ فاطمیه، اصفهان: انتشارات مدرس (ره)، ۱۳۸۰.
۴۴. وان دایک، تون، مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی، گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۸۲.
۴۵. واقدی، محمد بن عمر، الردة مع نبذة من فتوح العراق و ذکر المثنی بن حارثة الشیبانی، تحقیق یحیی الجبوری، بیروت: دار الغرب الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
۴۶. یارمحمدی، لطف الله، گفتمان شناسی رایج و انتقادی، تهران: انتشارات کتاب هرمس، ۱۳۸۳.
47. Searle, John R. (1969). Speech Acts: an Essay in the Philosophy of Language. Cambridge University Press. Cambridge.
48. Slembrouck, Stef. What is meant by discourse analysis?, Unpublished. 2001.
49. Jaworski, Adam Coupland, Nikolas. The Discourse Reader. Routledge, 1999.
50. Connell, Ian Galasinski, Dariusz. Cleaning up its act: The CIA on the internet. , Discourse and Society, 1996.
51. Mils, Sara, Discourse Analysis, London, Routledge, 1997.
52. Searle, J. and D. Vanderveken Foundations of Illocutionary Logic, Cambridge: Cambridge University Press, 1985.

